

اردلان در شکارگاه

ایران نیز بهمه وی محمول
شده است .

چندی پیش بدعوت شادروان
حاج مهدی نمازی برای شکار
از تهران به شیراز می‌رود و
ساعت ۴ صبح خود را با حبیب
به فیروز آباد می‌رساند تا قبل از
طلوع آفتاب بشکار پردازد .
لیکن وقتی از حبیب پیاده میشود
صدای تیری میشنود و درمی‌یابد
که جمعی شکارچی زود تر از او
خود را به شکارگاه رسانیده و
مشغول شکار شده اند .

آقای اردلان میگوید با
دیدن چنین وضعی باید اذعان

امان الله اردلان (حاج عز الممالک)
از رجال نامدار و استخواندار و
از مردان زنده دل وطن‌ماست .
وی سالها مصدر مشاغل مهمی در
مملکت بوده و علاوه بر نمایندگی
مجلس چندین بار هم به وزارت
و استانداری رسیده است .

حاج عز الممالک به شکار
علاقه زیادی دارد و چند سالی است
که نیابت ریاست کانون شکار

به سناتوری برگزیده شد.
وقتی رادیو خبر توفیق
بهادری را در انتخابات سنای دهد
گوینده خبر میگوید سناتور بهادری
بجای مرحوم دکتر شفق از تبریز
انتخاب شد و یکی از دوستان
آقای بهادری که در کرمان بوده
است گمان میبرد که سناتور
بهادری مرده است لذا بیکی از
منسوبان ایشان در تبریز تلگرافی
تسلیم میفرستد و مرگ سناتور
را تسلیم میدهد .

خدایش رحمت کناد، دکتر
شفق را که یادش هیچوقت از
خاطر ها محو نخواهد شد .
بخاطر خصوصیات اخلاقی اش و
بخاطر سخنانیهای دائم قبل از
دستورش در مجلس سنا و ..

دکتر شفق سال گذشته پس
از گشایش دوره ششم سنا بمنزل
رفت و بستری شد و پس از چندی
دارفانی را بدرد گفت و آقای
احمد بهادری بجای او از تبریز

سنا
تبر

جشن استقلال افغانستان

همه ساله روز ششم خرداد ماه بمناسبت سالگرد استقلال افغانستان جشن باشکوهی در سفارت آن کشور در تهران برگزار می شود و رجال زبده و نخبه ایرانی و خارجی با صفا و صمیمیت خاصی در این جشن شرکت می جویند .

در جشن امسال آقای قاری زاده شاعر افغانی هم که بدعوت دولت ایران بتهران آمده بود شرکت داشت و من از او خواستم که بمناسبت این جشن فرخنده شعری بگوید و او هم بجایلاکی قطعه زیر را سرود که ذیلا درج میشود .

زار و ناچیز و ناتوان بودن
خوار در چشم این و آن بودن

از عقب ماندگان قافله ها
وز حقیران کاروان بودن
گل بی بوی بوستان خودی

نخل بی بار دوستان بوذن
سال ها در کمال نادانی

دشمن جان خود بجان بودن
قبر خود را بدست خود کردن

سود نا کرده در زیان بودن
تشته و گرسنه بسر بردن

که چنین و گهی چنان بودن
بهر از آن بود ضیاء که دمی

آلت دست دیگران بودن

کنم که کم کم پیر شده ام زیر آفتاب
از آنکه من به شکار گاه برسم
دیگران شکار خودشان را کرده
اند . البته ایشان هم پس از شکار
چند کباب و به شیراز باز
میکردد .

ناگفته نماند که جناب اردلان بر اساس نوشته ای که به قلم ایشان در شماره ششم خاطرات درج شده در ۶۴ سال پیش نمایندگی مجلس را داشته است . از خدا میخواهیم که این مرد پاکدل سالهای سال با عزت و سلامت زندگی کند .

البته این تلگراف را از بهادری مخفی نگاه میدارند و تلگراف کننده هم پس از اطلاع از جریان با شرمندگی فراوان تلگرام تبریک و موفقیت مخایره می کند .

سناتور بهادری از احفاد امیر بهادر جنگ و از مردان نیک نفس و پاکدل آذربایجانی است . خدایش عمر دهد و سالها به عزت زیست کناد .

چندی پیش امتیاز بهره برداری از ترن تهران-ری که در دوره قاجاریه به بلژیکیها واگذار شده بود منسوخ گردید و ترنی که سالی چند بنام ملشین دودی مردم تهران را به شهرری میبرد ومدتها بود که هیچ اثر و خودی بر آن مترتب نبود بتصرف دولت ایران درآمد .

شهرداری تهران نیز متصرف زمین های مسیر ماشین دودی شد وبمنوان جاده عمومی وگردشگاه از آن بهره برداری را شروع کرد ضمناشهردار صرفه جوی اصفهانی نیز ازریل های راه آهن که سالها در بستر خاک بی اثر غنوده بود استفاده کرد وباین آهنگهای قراضه دهها پل کوچک در مناطق مختلف شهر بوجود آورد .

ماشین دودی و شهرداری

وقت آمریکا از آقای دکتر صدیق اعلم که در آن وقت سناتور بوده است خواهش می کند که نطق نیکسون را ترجمه کند و دکتر صدیق نیز با تسلطی که به زبان انگلیسی دارد به ترجمه نطق نیکسون میپردازد و به بهترین وجهی از عهدۀ این مهم برمی آید . (درپیشیت جلد شماره هفتم خاطرات عکسی از نیکسون چاپ کردیم که اورادر قضای بهارستان ودرمیان جمعی از نمایندگان مجلس نشان میدهد .)

نیکسون در سنا

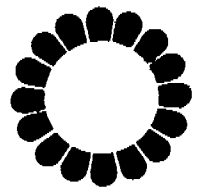
در زمانی که نیکسون معاون رئیس جمهوری آمریکا بود سفری بایران کرد و در مجلس سنا نیز نطقی ایراد نمود . وقتی نیکسون به سنا میآید تا نطق کند معلوم میشود مترجمی که بتواند نطق او را ترجمه کند و از عهدۀ این مهم برآید همزاه او نیست و لذا هندرسن سفیر کبیر

نقشه جزایر سه گانه

بطوریکه استحضار دارند در نقشه های مختلفی که از ازمینه قدیم راجع به ایسران و خلیج فارس در دست است همه جا جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به رنگ نقشه ایران و جزو خاک ایران قلمداد شده و برهیچکس شك و تردیدی در حاکمیت ایران بر این جزایر نیست .

چندی پیش نقشه مستندی که در روسیه تهیه شده بود این جزایر را نیز جزو قلمرو ایران محسوب داشته بودند در جراید چاپ شد . اخیراً در کتابخانه مجلس شورای ملی نیز نقشه ای دیدم که توسط آقای کاپیتان لوکال مازور ترسیم شده و مربوط به زمان است که حکومت هندوستان بدست انگلیسیان اداره میشده است .

این نقشه به قطع بزرگ تهیه شده و جزایر سه گانه نیز به رنگ خاک ایران و جزو قلمرو ایران بحساب آمده است .



از قول آقای علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران نقل میکنند که وقتی اشتیاق رضاشاه کبیر را به تربیت نسل جوان احساس می کند بعرض میرساند که «اونیورسیتیه» ای در تهران تأسیس شود تا جوانان مستعد و علاقمند ایرانی بتوانند از تعلیمات عالیّه نیز بهره ور و برخوردار گردند .

رضاشاه بلافاصله با پیشنهاد حکمت موافقت میکند و دستور میدهد که از اعتبارات دولت معادل دو بیست و پنج هزار تومان نیز برای تأسیس اونیورسیتیه اختصاص داده شود .

حکمت به تلاش میپردازد و زمین جلالیه را که ملکی مرحوم جلال الدوله فرزند ظل السلطان بوده است به مبلغ یک صد هزار تومان خریداری میکند و شروع به ساختمان می کنند . سپس نام اونیورسیتیه به دانشگاه تبدیل میشود که در حال حاضر نیز به همین نام موسوم است .